

بی‌عنا

شماره مسلسل ۲۴۵

سال بیست و یکم

بهمن ماه ۱۳۴۷

شماره یازدهم

دکتر غلامحسین یوسفی
استاد دانشکده ادبیات - مشهد

چرا رغبت به شنیدن سخنرانی کم شده است

این که چرا مردم روزگار ما به شنیدن سخنرانی، از هر نوع، کمتر علاقه نشان می‌دهند و غالباً در هر مجلس عده معدودی از دعوت شدگان حضور می‌یابند و احیاناً به گفتار سخنرانان نیز توجه کافی ندارند، نکته‌ای است دقیق. برای این موضوع البته علل گوناگون می‌توان اندیشید که طرح همه آنها در این مختصر مقدور نیست و به نظر قاصر بنده تا حدودی به سخنران و موضوع و محیط سخنرانی متوجه است و یا به نکته‌هایی مربوط می‌شود که سخنران شایسته باید آنها را در نظر بگیرد. آنچه نخست در این باب به ذهن می‌رسد از این قبیل است که آیا گاه سخنرانان کم‌مایه‌اند؟ یا موضوعات سخنرانی عادی و تکراری است؟ و یا دعوت شدگان به تناسب موضوع سخنرانی دعوت نمی‌شوند؟ همه اینها در حد خود مؤثر تواند بود و نکته‌هایی دیگر هم.

در روزگاری که زندگانی شتاب‌آمیز و پرتزاحم امروزی حوصله‌ها را تنگ دارد کمتر کسی خریدار سخنرانی‌های طولانی و بیان کلیات مسلم است و سخنرانی که این نکته را درک نمی‌کند به قول قدما «اقتضای حال» را رعایت نکرده است و ناگزیر

در کار خود موفق نمی‌شود. به یاد دارم وقتی در خدمت شاعر استاد جناب محمود فرخ به زحمت استماع سخنرانی دوساعتهٔ مردی محترم در شرح بعضی بناهای معروف گرفتار بودم. سخنران چندان سخنان عادی و بی‌جان بر زبان آورد و ما را خسته کرد که آقای فرخ همان شب در قطعهٔ شعری در مقام نصیحت به فرزند گفتند:

جان پدر مرا به تو باشد نصیحتی

گر پند پیر درد سرست ای پسر ببخش

گزران که خواستی تو خطیبی کنی، سخن

کوتاه کن، به مستمع جان پسر ببخش

خوانندگان محترم توجه فرموده‌اند از جمله طبقاتی که قوهٔ نطق و بیان دست مایهٔ کارشان است مردان سیاسی و رهبران اجتماعی هستند. در همین عصر ما کسانی مانند جواهر لعل نهرو، وینستون چرچیل^۱، ادلای استیونسن و ژنرال دوگل قسمت عمده‌ای از پیشرفت و موفقیتشان در زندگانی اجتماعی مرهون فصاحت بیانشان بوده است و این خود از اهمیت فن سخنرانی حکایت می‌کند.

نویسندهٔ این سطور به استماع سخنان خطبای چیره دست بسیار علاقه مندست ولی بصداقت عرض می‌کند که از این فیض فراوان برخوردار نمی‌گردد. راست است که خطیب خوب نیز مانند هر چیز خوب و ممتاز نادر و کمیاب است ولی به عللی که عرض خواهد شد در میان ما هنر سخن گفتن از رونق افتاده است. حتی گاه از بعضی کسان به عنوان سخنران خوب نام برده می‌شود که در این زمینه کم بضاعت می‌نمایند. اکنون پردازیم به برخی از آنچه ممکن است از نقائص سخنرانیهای ما بکاهد و بر رونق مجالس بیفزاید.

البته موضوع سخنرانی باید چیزی باشد که به گفتن بیزد و مستمعان را بکار آید و در آن تناسبی با مجلس ملحوظ گردد. بعلاوه سخنرانی وقتی خوب و گیر است و مستمع را جلب می‌کند که سخنران بتواند آنچه را که می‌خواهد بروشنی و بازبانی

۱ - نویسندهٔ این سطور در جلسه‌ای از پارلمان انگلستان - که در آن خدمات چرچیل در زمان حیات او تجلیل می‌شد - به تماشا حضور داشت. همین آقای هارولد ویلسون - که امروز نخست‌وزیر کشور است - آن روز پس از نطق نخست‌وزیر وقت، لرد هیوم، به عنوان رهبر حزب کارگر در بزرگداشت چرچیل سخن راند و از جملهٔ فضاائل وی که بر شمرد تکیه بر گنجینه‌ای از «کلمات سحرآمیز» بود که چرچیل با ابداع و استعمال آنها در سخنرانیها و نوشته‌های خود به زبان انگلیسی ارزانی داشته است.

پرتأثیر به مستمعان القاء کند. این کار علاوه بر استعداد، مستلزم دانستن زبان و تسلط بر کلمات و تعبیرات بحد کفایت است و این معنی در میان ما حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که زبان فارسی را خوب بداند و از آثار فصیح فارسی مایه لازم اندوخته باشد. در مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی مأموران مختلف دولت - که اکثر از درس خواندگانند - حتی در سخنان برخی از کسانی که در برنامه‌هایی علمی و سنگین از رادیو سخن می‌گویند، تأمل فرمایید آنگاه در خواهید یافت چند درصد از مسا به روانی و درستی و شیوایی سخن می‌گوییم. در این باب کسانی را هم که متن سخنرانی خود را با تأمل و دقت کافی بر روی کاغذ فراهم آورده‌اند و آن را می‌خوانند در نظر بگیرید در میان این گروه نیز سخنران خوب کمتر از حد انتظار است.

راست است که در همه جای دنیا برای سخنرانیهای علمی و موضوعات ظریفتر عده مستمعان کمتر است^۱ و هر چه موضوع سخنرانی عام‌تر باشد جمع بیشتری را به خود جلب می‌کند ولی این نکته را نمی‌توان از یاد برد که هر موضوعی، اگر چه بدیع نباشد، وقتی با لطف بیان و هنرمندی عرضه شود بیشتر در دل خواهد نشست و مستمعان را هر چند تن باشند جذب خواهد کرد. پس باز می‌گردیم به اهمیت و تأثیر سخنران.

به نظر بنده، بجز تنگی حوصله و وجود سرگرمیهای گوناگون، یکی از مهمترین علل کمی رغبت مردم به سخنرانی این است که برخی از سخنرانان شایسته و قادر نیستند و کم‌کم دیگران را از سخنرانی یکسر رمانده‌اند و من در این «شایستگی» همه نکته‌های باریک‌تر از مویی را که سخنران باید از نظر انتخاب موضوع، اقتضای موقع و مقام و حال و فکر مستمعان رعایت کند، می‌گنجانم. حقیقت آن است که مادر تعلیم و تربیت امروزمان به امر مهم سخن گفتن و سخن راندن که هر کس در هر شغل و مقام در زندگانی^۲ با آن سرو

- ۱ - بگذریم از این که به‌زعم بنده خواندن متن سخنرانی از روی کاغذ، چه در رادیو و تلویزیون و چه در مجالس، اگر چه از نظر احتساب وقت و تأمل و احتیاط خوب است، چندان جاندار نیست و از تأثیر سخن می‌کاهد. البته این کار در مواردی خاص ضروری است.
- ۲ - نگارنده وقتی در انجمن آسیایی پاریس از سخنرانی دانشمندی در باب تمدن قدیم بابل برخوردار شد اما در آن مجلس عده مستمعان بسیار معدود بود و به برخی از اعضای انجمن محدود می‌گردید. بدیهی است علاقه‌مندان به موضوعی خاص و تحقیقی از این قبیل نمی‌توانست زیاد باشد.

کار دارد- چنانکه باید- بچشم اعتنا نمی‌نگریم. سخنرانی و خطابه از دیرباز دردنیای تمدن چندان اهمیت داشت که ارسطو رساله‌ای معروف در این فن نگاشت. در گذشته نیز آنچه اجداد ما در معانی و بیان و منطق و خطابه می‌آموختند کم نبود. امروز هم در تعلیم و تربیت ملل پیشرفته، نوآموزان را از سنین خردی برای ادای مطالب خود آماده می‌کنند و چه بسیار استعدادها که در این فن می‌شکفتند. هم اکنون که این‌سطور را می‌نویسم سومین چاپ کتابی پیش روی من است به نام: *Public Speaking for College Students* - این کتاب را ل. کراکر *Lionel Crocker* استاد و رئیس بخش نطق و بیان در دانشگاه دینسن، از ایالت اوهایو در امریکا، تألیف کرده است. در این کتاب سودمند پانصد و چند صفحه‌ای بیش از یکصد و شصت صفحه به سخنران، و بالغ بر صد و پنجاه صفحه به حاضران و مستمعان، و نیز قریب شصت صفحه به موقع و مورد سخنرانی و بحثهای مربوط به هر یک اختصاص یافته است؛ و نیز از نکات بسیار مهم و باریکی که یاد آوری یکایک آنها موجب اطنا است بتفصیل و دقت سخن رفته که از آن جمله است بحث دلکش مربوط به آهنگ سخن و تربیت صدای سخنران^۱.

غرض آنکه امروز سخنرانی فنی است خاص، با استادان و متخصصان و کتابهای فراوان. حالاً ما چقدر به این مهم عنایت می‌کنیم جواب سؤالی است که در ابتدای این مقال طرح شد. برخی از مردمی که سخنرانی می‌کنند شاید این فن را نیاموخته‌اند و نیز بعید می‌دانم که همه آنان به زبان مادری خود مثلاً راهنمایی نظیر کتاب ارجمند «آیین سخنوری» تألیف شادروان محمد علی فروغی و یا ترجمه کتاب مفید «هنر سخن گفتن» را - که چند سال پیش منتشر شد^۲ - یا اثری از این قبیل را خوانده باشند. پس ناگزیر این فن شریف در میان ما، اگر هم کسی استعداد آن را داشته باشد، چه بسا که بصورت تهذیب نیافته بروز می‌کند. در امریکا به پروردن محصلان برای سخنرانی بسیار توجه می‌شود شگفت آنکه بعضی از تحصیل کردگان ما که از این

۱ - فصل مفیدی که مؤلف در آن به اهمیت استفاده از اندامهایی از قبیل سر و دست و چهره و یا نگاه در سخنرانی پرداخته است موضوعی را به یاد می‌آورد که وقتی از قول بانو ژاکلین، همسر رئیس جمهور فقید امریکا، خواندم و آن این بود که جان کندی در آخرین سخنرانی خود در دالاس برای آن که مختصر لرزش دستش توجه مستمعان را جلب و منحرف نکند سعی می‌کرد دست خود را ساکن نگاه ندارد و این موضوع را بنوعی از انتظار ببوید.

۲ - ترجمه اسمعیل اسمدی، تهران ۱۳۳۵

کشور برمی گردند نه به زبان مادری و نه به زبانی که بدان درس خوانده اند قادرند در میان جمعی محدود بخوبی و درستی سخن بگویند! البته معنی این سخن آن نیست که درس خواندگان ما در ایران یا اروپا از این نظر بی نقص و کاملند .

به نظر بنده اگر ما از خردسالی مطابق برنامه‌ای دقیق و منظم محصلان را برای سخنرانی و شرکت در سخنرانی تربیت کنیم و این سخنرانیها با بحث و انتقاد و اظهار نظر و نکته جویی ، چنان که از قرن‌ها پیش در ایران رسم بود، همراه باشد نه تنها آنان که استعداد این فن را دارند در بزرگی خواهند درخشید و در دیگران ذوق سخن خوب شنیدن خواهد شکفت ، بلکه فکر همگان نیز تربیت خواهد یافت زیرا سخنرانی خوب و سنجیده و پرمغز برای سخنران و مستمع مستلزم تلاش فکری و اندیشیدن و تأمل است و اگر چنین تربیتی را بکار بندیم کمتر در دانشکده با بعضی جوانان روبرو خواهیم شد که پس از کودکی فرصت بحث و اظهار نظر و سخن گفتن در درس از آنان مضایقه شده است. در دانشگاه نیز هرگاه چنین امکانی به آنان داده شود کمتر ذوق «چرایی» و اندیشه‌شان بکار می افتد و در صدد بحث و سؤال برمی آیند^۲. اگر مستمعان ما کم رغبت می نمایند شاید ما از کودکی آنان را برای استماع و التذاذ از سخن نپرورده ایم ، علاقه آنان را برای فهمیدن و آموختن ، با سخنان نامطبوع و یکنواخت و کم مغز کاسته یا از میان برده ایم و چه بسا که از هر نوع سخنرانی ریمیده اند. پس بعید نیست که اینک حوصله شنیدن و تأمل را کمتر داشته باشند . مع هذا من مکرر دیده ام که سخنان شورانگیز از دل برخاسته در همین مردم تنگ حوصله سخت مؤثر افتاده است و گاه زمانی دراز از استماع چنین سخنانی ملول و خسته نشده اند .

از تربیت مردم برای سخنرانی و استماع سخنرانی که بگذریم ، و ما به این هر

۱ - و حال آن که در همان کشور ژنرالی نامور چون ایزنهاور قوه سخنرانیش تحسین انگیزست و نوشته اند در ایام فرماندهی و مأموریت در اروپا از سدها مورد مباحثه و سخنرانی فقط دو بار موضوع را از پیش تهیه کرده و ارتجالاً سخن نگفته بود . نکته مهم دیگر این که وی در برابر اشخاص مختلف از مشاغل و طبقات گوناگون سخن می گفت و هر بار مجلس اقتضائی

داشت Kay Summersby: Eisenhower was My Boss New york 1948

۲ - نویسنده این سطور اگر امروز تاحدی بتواند در سخنرانی مقصودش را ادا کند بیش از هر چیز مرهون معلم و مربی بزرگوار خویش شادروان سید محمد اشرف زاده است که از دبستان وی را به طریق گوناگون برای این کار تربیت می نمود و نکته‌های بسیاری بدو آموخت و زبان وی را او گشود. خدایش بیامرزاد که مردی شریف بود.

دو کم اعتنائیم ، البته طرح موضوعات عادی و مکرر هرطبعی را ملول می کند . در برخی جلسات و پاره‌ای سخنرانیهای علمی و ادبی و مجالس بحث ، سخن تازه و نکته بدیع زیاد طرح نمی شود و علاقه‌مندان نکته یاب بطبع راضی و خرسند نمی گردند .

ممکن است این نکته به خاطرها بگذرد که چگونه در قدیم مجالس وعظ مورد علاقه مردم بوده است^۱ و هنوز هم دوستداران برخی از این گونه سخنرانیها فراوانند . شک نیست که شور و اعتقاد صمیمی سخنران در آنچه می گوید در جلب علاقه حاضران و نفوذ گفتارش در ایشان تأثیر تمام دارد . اگر در برخی مجالس وعظ هنوز مستمعانی راغب و گاه شور و حالی دیده می شود شاید در این موضوع اخلاص سخنران و حاضران در آنچه می گوید و می شنوند بی تأثیر نباشد . نمی خواهم بگویم که در این مجالس همه سخنها صمیمانه است . گاه بعضی از این محافل نیز از لقلقه لسان و ایراد مترادفات و مکررات خالی نیست ولی نوری را که ایمان بفضای قدسی مجلس می پاشد و دلها را ، اگرچه دقایقی چند ، بسوی خدا می کشد نمی توان از نظر دور داشت . پس اگر بگوییم : هر جا سخنران و مستمعان را تفاهمی استوار بهم پیوند و سخن از دل برخیزد ناچار بردل خواهد نشست ، سخنی نادرست نیست . بدیهی است سخنرانان چیره دست و صمیمی می توانند بذر شوق و علاقه را در دل مستمعان پیاشارند .

رفع هر یک از این نقائص را در اصلاح تربیت و طرز تفکر اجتماع باید جست ؛ تربیت و تحولی که همه مظاهر زندگانی اجتماعی را در بر بگیرد .

رتال جامع علوم انسانی

۱ - از آن جمله است مجالس وعظ قطب الدین مظفر بن ابی الحسین بن اردشیر عبادی ، واعظ معروف قرن ششم هجری که مانند پدرش در سخنرانی زبردستی خاصی داشت و مردم چندان فریفته کلام او بودند که در مجالس سخنان او و نکته‌هایی را که می گفت می نوشتند و از این راه مجلداتی چند فراهم آمد (البدایة و النهایة ۱۲: ۲۳۰ ر : المنتظم ۱۰: ۱۵۱) ؛ و فیات الاعیان ۴: ۳۰۰) .